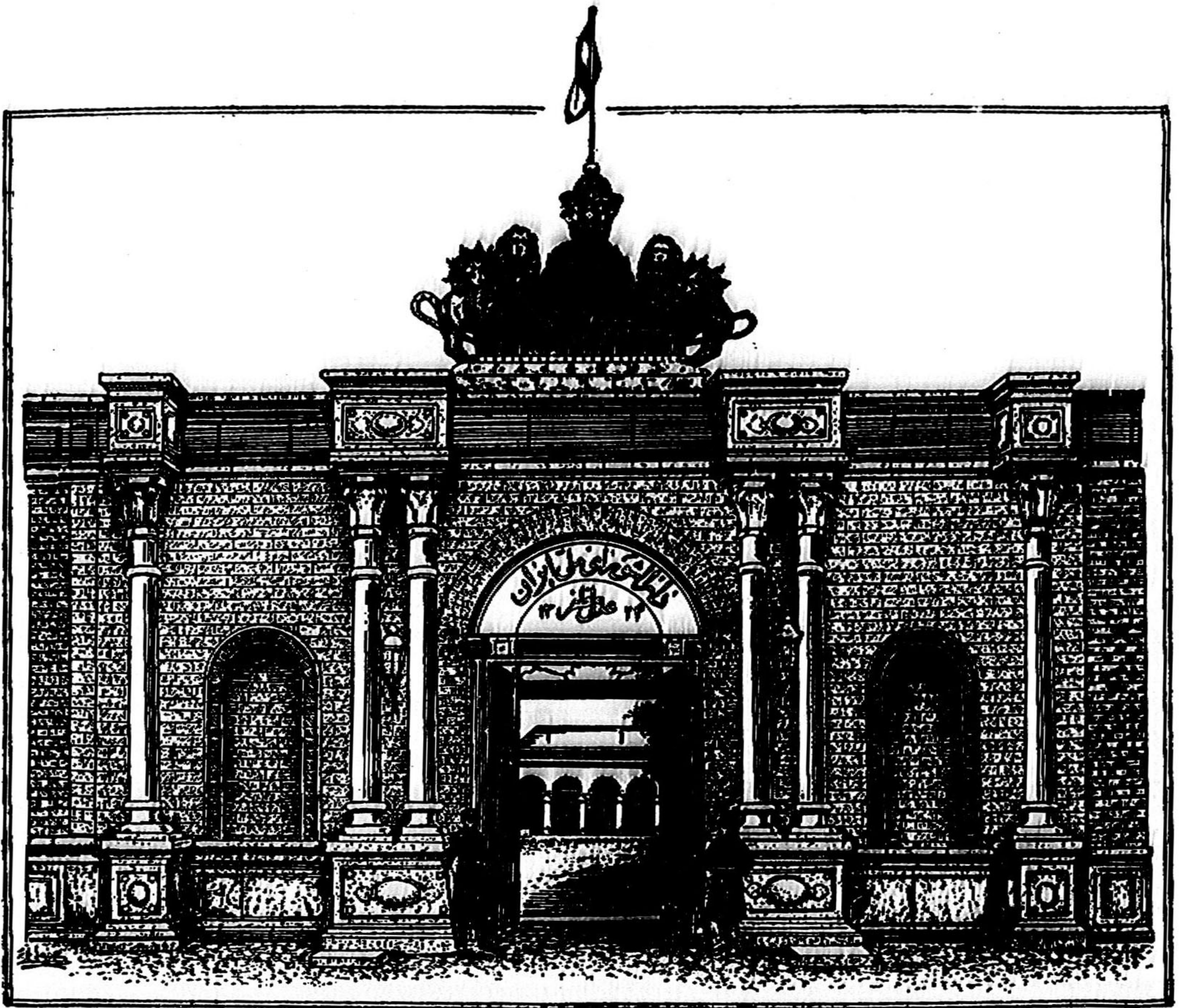


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۱۱</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۰ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>

فهرست مدارجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	اعلام لزوم انتخاب اعضای کمیسیون بودجه جدید و محاسبات مجلس از شعب شن گانه	۲۲۹۸	
۲	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به شهریه علماء ساوجبلاغ و تصویب آن	۲۳۰۰	۲۳۰۲
۳	بقیه مذاکره و شور ثانی نسبت بخر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی از ماده ۱۶ الی ماده ۲۴	۲۳۰۲	۲۳۲۱
۴	قانون بر قراری ۵۶۰ تومان مستمری در حق علماء ساوجبلاغ عوض عشریه سینزده فقره قراء و مزارع	۲۳۲۲	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۳۰ شهر بورماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۶

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
 آقایان : دکتر سنگ - عراقی - امام جمعه شیراز
 خطیبی - افشار - ضیاء - زارع - مهدوی
 عباس میرزا - غلامحسین میرزا - فرمند - وزیري - وکیل

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست
 آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس روز سه شنبه بیست و هشتم شهر بور
 را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

ثقة الاسلامی - اسکندری - عدل - جوائشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - دکتر لقمان - ملک آرائی - زعیم حاج شیخ عبد الرحمن - آية الله زاده اصفهانی - میرزا بد الله خان دهستانی

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان : رفیع - اسدی - علی خان اعظمی - نظام مافی - باستانی - قوام شیرازی - محمد هاشم میرزا - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک - فرشی - حاج میرزا مرتضی - حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان میرزا محمد تقی بهار

(دیر آمده با اجازه جلسه قبل)

آقای اعتبار .

(دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان : حاج علی اکبر امین - فهیمی - شریعت زاده میرزا حسن خان وثوق - موقر

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض کنم که در صورت مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده کسالت داشتم هنوز هم کسالتم باقی است و تلگرافاً هم از مقام منبع ریاست اجازه خواسته بودم تصدیق دکتر معالج را هم فرستادم واستدعا میکنم که ...

آقا سید یعقوب - متأسفانه مجلس رد کرد ببخشید حاج میرزا مرتضی - کمیسیون تصمیمی در اینخصوص بگیرد چون بنده مریض بودم

زوار - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

زوار - عرض کنم که ایشان تصدیق دکتر را آوردند بکمیسیون عرایض ولی چون کمیسیون قبلاً خبرش را داده بود و مجلس هم رد کرد لهذا کمیسیون نتوانست تصمیمی در اینخصوص بگیرد چون مخالف نظامنامه بود

رئیس - آقای حاج امین زبقی

ماده ۱۸ نظامنامه داخلی هر ساله باید کمیسیون جدید بودجه انتخاب شود همچنین کمیسیون محاسبات مجلس و این تجدید انتخاب میبایستی در چندی قبل بعمل آمده باشد ولی بدلائلی ممکن نشد امروز در موقع تنفس شعب باید تشکیل شوند و هر شعبه سه نفر برای کمیسیون بودجه و یک نفر برای کمیسیون محاسبات مجلس معین نمایند . کار کمیسیون جدید بودجه رسیدگی به بودجه سال ۱۳۰۷ است . آقای بیات

مرتضی قلی خان بیات - بعقیده بنده چون مدت کمیسیون بودجه یک سال است و چون سالیانه است اگر در ۱۴ میزان انتخاب شود گمان میکنم بهتر باشد چون مطابق نظامنامه هم که نوشته شده دو دوره باید انتخاب شود نظرش همین بوده است که در چهاردهم مهر انتخاب شود و حالا هم چون ۱۴ مه - ماه نزدیک است بنده عقیده ام این است که در همان موقع که هیئت رئیسه انتخاب میشوند کمیسیون بودجه که مال سال آتی است انتخاب شود و اینطور بترتیب نظام نامه هم گمان میکنم نزدیک تر باشد .

رئیس - نظامنامه هر دوره را تقسیم می کنند بدو دوره اجلاسیه و دوره اجلاسیه هم یک سال است . در ماه صفر گذشته دوره اجلاسیه شروع شد و این ماه صفر که گذشت دوره اجلاسیه دوم شروع شد معذک هر کدام را مجلس میل دارد البته همانطور عمل میشود .

ماده واحده راجع باقایان علماء ساوجبلاغ مطرح است .

(اینطور قرائت شد)

ماده واحده - وزارتعالیه مجاز است معادل بانصد و شصت تومان در سال در عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع دریافتی علمای ساوجبلاغ از قرار جزو ذیل :

ملا احمد و ملا نجم الدین و عبدالرحمن بالثساوی

قران ۱۷۶۴

ملا عبدالله و ملا عبدالقادر بالمنافه ۱۳۷۹

ملا علی مفتی ۱۰۷۱ قران

ملا محمد مدرس و ملا احمد بالمنافه ۱۳۸۶

جمع ۵۶۰۰

بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیات از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان علمای ساوجبلاغ مذکوره فوق برقرار نموده و همه ساله به نرخ تومانی بکنومان پرداخت نماید

رئیس - پیشنهادهی راجع بدستور شده است که قرائت میشود .

(اینطور قرائت شد)

این جانبان پیشنهاد میکنیم خبر کمیسیون بودجه راجع بتخصیص ۱۲۵ هزار تومان ببلدیه در درجه اول و ایضاً خبر کمیسیون بودجه راجع به تخصیص عایدات مستغلات طهران به بلدیه طهران در درجه دوم جزو دستور شود

محمد علی دولتشاهی - اعتبار - محمود رضا

رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - البته آقایان از گرفتارهای مردم و بلدیه راجع بخیرانی خیابانها مخصوصاً خیابان چراغ گاز که مالکین آنها دکانی داشته اند و آن دکان را چهار پنجاه قبل برای باز شدن خیابان خراب کرده اند مسبوق و مستحضر هستند . اخیراً بین مردم و بلدیه يك قراردادهایی برای خرید املاک آنها بسته شده است که يك مبلغی برای آن املاک تخصیص بدهند و خراب کنند . چون بنده در خیابان چراغ برق سکنی دارم از وضع بریشان مردم آنجا اطلاع دارم . بلدیه البته حاضر شده است این پول مردم را بدهد و جلب رضایت مردم هم فراهم شده است ولی این پول را باید محلی برای پرداختش معین کنند و مجلس تصویب کند محل پرداخت این پول هم همین لوائجی است که تقدیم شده است که يك فقره آن ۱۲۵ هزار تومان است که در کمیسیون بودجه

میرزا سید احمد خان اعتبار - البته آقایان از گرفتارهای مردم و بلدیه راجع بخیرانی خیابانها مخصوصاً خیابان چراغ گاز که مالکین آنها دکانی داشته اند و آن دکان را چهار پنجاه قبل برای باز شدن خیابان خراب کرده اند مسبوق و مستحضر هستند . اخیراً بین مردم و بلدیه يك قراردادهایی برای خرید املاک آنها بسته شده است که يك مبلغی برای آن املاک تخصیص بدهند و خراب کنند . چون بنده در خیابان چراغ برق سکنی دارم از وضع بریشان مردم آنجا اطلاع دارم . بلدیه البته حاضر شده است این پول مردم را بدهد و جلب رضایت مردم هم فراهم شده است ولی این پول را باید محلی برای پرداختش معین کنند و مجلس تصویب کند محل پرداخت این پول هم همین لوائجی است که تقدیم شده است که يك فقره آن ۱۲۵ هزار تومان است که در کمیسیون بودجه

مدنی است تصویب شده خبر آنهم بمجلس شورای ملی تقدیم شده است این بود که بنده برای اینکه مردم در این سرزمستان فوق العاده پریشان و بی چیزند و منتظر تصویب این لایحه هستند پیشنهاد کردم که در درجه اول جزو دستور شود که با تصویب این لایحه تکلیف بلدیہ و مردم معین شود.

وزیر مالیه - بنده می خواهم این پیشنهاد آقایان را تأیید کنم و در ضمن توضیحاتی بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم. چون چندین قبلی در چند جلسه قبل اینجا تقاضا شد که این لایحه در دستور گذاشته شود و تصویب نشد این مطلب علتش بایستی البته روشن باشد... مدرس - برای اینکه بلدیة قانونی همین دو روزه درست میشود.

کازرونی - صحیح است. وزیر مالیه - اجازه بفرمائید. دو مطلب است که این دو مطلب باید طرف توجه آقایان نمایندگان باشد. یکی این است که بودجه هائی که طرف احتیاج عمومی میباشد و مخصوصاً حوائج شهری را بر آورده میکنند اینها بایستی مرتب رسانده شود. دیگر راجع به بودجه بلدیة طهران است که برای تکمیل او قانونی پیش بینی شده که گویا در قسمت دوم این پیشنهاد تقاضا شده در آن جا قرار داده شده که مالیات مستغلات طهران به بلدیة تخصیص داده شود و اگر این مبلغ تخصیص داده نشود بودجه بلدیة طهران از بودجه پار سال و پیرار سال هفت هزار و هشتصد و خرده تومان کسر است و علتش هم این است که در موقعی که قانون راجع به مالیات راهها میگذاشت ترقیبی که در آنجا برای محاسبه و تعیین بودجه های بلدیة ها مقرر شد در موقع تطبیق آن عوائد چون برای بلدیة علاوه از آن مبرهائی که در آن قانون تخصیص شده بود يك عوائد دیگری هم بود از قبیل همین مالیات مستغلات و بلدیة میگرفت يك بودجه در حدود سی و نه هزار تومان و خرده داشت که

وقتی آمدند و مطابق آن قانون حساب کردند و عوائد سابقش را از دستش گرفتند و تمام عوائد را مالیه ضبط کرد مطابق آن حساب بلدیة سی و نه هزار تومان بیشتر بودجه پیدا نمیکرد و این تفاوت هم معادل همان مالیاتی است که از مستغلات میگرفت بعد از آنکه آن قانون گذشت مالیه اعتراض کرد که مالیات مستغلات را من باید بگیرم و البته حق هم داشت و بالاخره بعد از آنکه ما مالیات مستغلات را از دست بلدیة گرفتیم بودجه بلدیة قریب هشت هزار تومان کسر بودجه پیدا کرد بالاخره بعد از مذاکرات زیادی که بین بلدیة و مالیه و هیئت دولت شد با يك ترقیبی نتیجه این شد که عوائد مستغلات را که از دست بلدیة گرفته ایم و بلدیة بودجه اش ناقص شده دو باره به بلدیة تخصیص بدهیم علاوه بر آن چنانچه ملاحظه میفرمائید بلدیة يك امور خیلی مهمی در پیش دارد که آقای اعتبار الان اشاره فرمودند. از يك طرف آقایان فشار می آورند که بایستی جبران خسارات مردم بشود و از يك طرف وسیله پرداخت را جلوگیری میکنند این يك زندگانی متناقض میشود و اگر تصور میفرمائید که با يك اصول متضادی يك زندگانی متناقض ممکن است بنده عرضی ندارم ولی بعقیده بنده این طور نمیشود. فعلاً دو لایحه که تقدیم شده بود که یکی لایحه تخصیص صد و بیست و پنج هزار تومان از مازاد عایدات ۱۳۰۵ برای بلدیة است که این قسمت بیشتر برای مخارج غیر ثابت است از قبیل همین بنائاتی و خرید هائی که باید برای تکمیل این کار بشود و يك قسمت عمده اش هم برای تهیه آب و شروع بعمل است از برای مجاری آب شهر و لایحه دوم تخصیص عوائد مستغلات است به بلدیة برای تکمیل بودجه بلدیة و رساندنش به آن مأخذی که پار سال و پیرار سال و پس پیرار سال داشته و عوض اینکه امروز از طرف آقایان کمک بشود به يك چیزی که طرف احتیاج عامه است يك طوروری شده است که بودجه آنجا فعلاً قریب هشت هزار تومان از سنوات

قبلیش کسر است. این بود که بنده می خواهم تقاضا کنم و توقع کنم که آقایان مرحمت کنند که این دو لایحه جزء دستور باشد و اگر يك توضیحی و اطلاعاتی هم آقایان میخواهند در ضمن بحث در لایحه میفرمایند و بنده هم این جا هستم و جواب عرض میکنم در هر صورت در دستور گذاشتن آن سبب میشود که آقایان مخالفین حرفهای خود شازرا میزنند و آقای کازرونی هم که فرمودند صحیح است و خیلی میل داشتند حرف بزنند حرف خودشان را میزنند و بنده هم موقع پیدا میکنم و آرزو به دلم نمی ماند که نمیتوانم جواب ایشان را بدهم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای زوار.

زوار - موافقم.

رئیس - آقای مفق

مفق - بنده با اعتبار بلدیة مخالفی ندارم ولی در جلسه گذشته مقرر شد که لایحه مستمری آقایان علماء ساوجبلاغ جزء دستور بشود و این هم يك ماده بیشتر نیست. نمنا میکنم آقایان اجازه بدهند که این لایحه فعلاً جزء دستور باشد بعد لایحه بلدیة.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای اعتبار آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. ماده واحده قرائت میشود (بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که بعنوان مخالفت این جا آمده ام. برای خاطر اینکه این مسئله يك موضوعی بود که خود بنده در کمیسیون بودجه

جدیدت داشتم در گذراندنش ولی خواستم بعرض مجلس برسانم که در گذشتن این لوایح بودجه که عبارت از جمع و خرج باشد مجلس شورای ملی حکومت کند بین کمیسیون بودجه و هیئت دولت در چه صورت ما میتوانیم بودجه دخل و خرج را بگذرانیم یا لوایح خرج را بگذرانیم؟ در صورتیکه کمیسیون بودجه با مجلس از بودجه مستحضر باشد. ولی در صورتیکه ما مستحضر نیستیم که آیا ما میتوانیم خرجی را حتی این پانصد و شصت تومان را بدهیم یا نه بواسطه عدم اطلاع چگونگی به این لایحه رأی بدهیم. بنده اساساً مخالف نیستم با دادن این مبلغ لکن عرض میکنم بنده که در کمیسیون بودجه هستم و از اول هم حاضر بودم اطلاع از بودجه ندارم خوشبختانه آقای وزیر مالیه که اینجا تشریف دارند در تحت مخالفت با این لایحه خواستم عرض کنم که آقای وزیر مالیه این بودجه های شما کی در می آید؟ کی ما باید مستحضر شویم از دخل و خرج که ما میتوانیم این پانصد و شصت تومان را با اطلاع از جمع و خرج بدهیم آقای وزیر مالیه آمدند در مجلس و میگفتند اضافه بودجه فواید عامه و خارجه را بگذرانید که بودجه ها حاضر شود، ما آمدم در همان جلسه اول اضافات خارجه را گذرانیدم فوراً آقای رئیس الوزراء نوشتند که بودجه وزارت امور خارجه را تحت نظر نگیرید بودجه وزارت داخله را تحت نظر نگیرید، بودجه وزارت فواید عامه را تحت نظر نگیرید. بنده عرض میکنم این لایحه که مطرح است لایحه خرج است و چون ما از بودجه خبر نداریم از چه صورتی به این لایحه رأی بدهیم عرض کردم بنده مخالف نیستم ولی خواستم به آقای وزیر مالیه شکایت کنم و اظهار کنم شکایات کمیسیون بودجه را که همه روزه این جا به ما حمله نکنند و اطلاع بدهم که ما در کمیسیون کار نداریم. بودجه ها را نمی آورند. دیگر اینموقع آقایان اعضاء کمیسیون بودجه حرف نمیزنند.

وزیر مالیه - بنده خیلی خوشوقت هستم که فرمایشات آقای آقا سید یعقوب در يك قسمت آن شاید راجع به گذشته صحیح باشد یعنی از تعطیلی که در یکی دو تا از بودجه ها شده بود ولی امروز گمان میکنم این فرمایشات صحیح نیست. برای اینکه جز یکی دو بودجه که خودشان فرمودند که بودجه خارجه و داخله باشد که بواسطه يك تغییرات که درش شده بود خواهش شده بود که در این بودجه بکفدری دست نگاه دارند تا آن تغییراتش از طرف دولت تهیه شود سایر بودجه ها از طرف دولت تهیه شده و فرستاده شده است خود بنده در روز امضاء کردم و به مجلس شورای ملی فرستادم و گمان میکنم غیر از بودجه وزارت امور خارجه که آهم امروز به آقایان میرسد چیز دیگری نمیخواهند...

بامداد - بودجه وزارت معارف چطور؟

وزیر مالیه - بودجه وزارت معارف مدتی است

این جا هست و هیچ مانعی هم ندارد، تمام بودجه ها در کمیسیون بودجه حاضر است. بعلاوه بنده انصاف میخواهم از آقای آقا سید یعقوب که این مسئله با این فرمایشات که فرمودند هیچ تطبیق دارد؟ این جا میگوید: وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عرض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع در بافتی علمای ساوجبلاغ از قرار جزو ذیل بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیة از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان علمای ساوجبلاغ بر قرار کند. این را درست دقت بفرمائید که چه چیز است؟ يك چیزی از يك قرائی بعنوان عشریه يك علمائی میگرفته اند این را گفتند موقوف کنید نگیرند و چون استحقاق آنها معلوم بود گفتیم چه باید کرد حساب کردیم و گفتیم این مبلغ در مقابل آنکه از اعتبار مصوب سابق هم علاوه نمیشود به آنها پرداخته شود و اگر وزارت مالیه در جزء اعتبارات این مبلغ را اعتبار نداشت که پیشنهاد نمیکرد و اگر هم شما تصویب کنید چیز زائدی را تصویب

نکرده اید در حدود همان اعتبار شهریه و مستمریات که مدتی است در کمیسیون بودجه حاضر بوده است، اینکه دیگر مانعی نداشته است.

آقا سید یعقوب - نمی آید توضیح بدهید از مجلس فراری هستید.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده هم همین مطالب اخیر را که آقای وزیر مالیه فرمودند خواستم عرض کنم که هیچ مربوط به بودجه نیست و دادن این وجه هم نسبت به این اشخاصیکه يك قسمت مهمی از صفحات ساوجبلاغ را تأمین میکنند به حال بودجه مملکتی هم مضر نیست.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

دادگر - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

دادگر - عرض کنم که بنده که مذاکرات را کافی نمیدانم برای این است که مبدا این توضیحات مسئله را معوق بدارد. عرض کنم اینها اشخاصی هستند که کاملاً استحقاق دریافت این حق را دارند و اشخاصی هستند که طرف رضایت کامل اهالی ساوجبلاغ میباشند این بود که خواستم عرض کنم که این نظریات در پیش آقایان ملحوظ باشد.

رئیس - (خطاب به آقای دادگر) حالا که با کفایت

مذاکرات مخالف نیستید؟

دادگر - بلی عرایضم را عرض کردم.

رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - اکثریت است. رأی گرفته میشود به ماده

واحد با اوراق آقایان موافقین اوراق سفید میدهند

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۶۶ ورقه سفید

شماره شد)

رئیس - عده حاضر هفتاد و چهار باصت و شش رأی تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان

آقایان: دیوان بیکی - دکتر طاهری - نجومی - آقا سید کاظم یزدی - حاج شیخ بیات - فرهمند - مرتضی قلیخان بیات - عمادی - میرزا حسن آبت الله زاده خراسانی دادگر - ملک مدنی - الحمی - اسفندیاری - مدرس - بهار - بامداد - حاج آقا حسین - بدر - حاج میرزا مرتضی - امام جمعه اهر - طباطبائی دیبا - دولتشاهی - اعتبار - سید حسین آقابان - خواجوی - حیدری - ملک ابرج میرزا پور تیمور - میرزا عبدالله خان وثوق - معتضد استرابادی - محمدتقی خان اسعد - ارباب کیخسرو - معظمی - ليقوانی - بالیزی - یحیی خان زنگنه اعظمی - امامی خوئی - مولوی - دکتر رفیع امین - فهیمی - سلطان محمد خان عامری - ذوالقدر - دکتر مصدق - حاج میرزا حبیب الله امین - بنی سلیمان - حشمتی - ایلخان - محمود رضا - عصر انقلاب - موقر - میرزا سید مهدی معتمد - ثقة الاسلام بروجردی - حاج علی اکبر امین - میرزا عبدالباقی - دهستان - محمدآخوند - سهرابخان ساکینیان - میر تمناز - مفتی - میرزا عبدالحسین - ابراهیمی - ثابت - عراقی - محمد ولی میرزا - تقی زاده حقنویس.

رئیس - ماده ۱۶ از قانون بلدیه مطرح است قرائت

میشود.

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۶ - هیئت نظار میتواند در صورت ضرورت

در هر های بزرگ برای انجام انتخابات يك یا چند شعبه مرکب از هفت نفر از معتمدین محل در نقاط مختلفه تشکیل نماید که در تحت نظر انجمن مرکزی وظایف خود را انجام دهند و مدت توزیع تعرفه و اخذ آراء از سه الی ده روز و عمل انتخابات در هیئت نظار مرکزی و شعب مقارن یکدیگر خواهد بود.

رئیس - آقای کازرونی

یک نفر از نمایندگان - تشریف ندارند.

(در اینموقع آقای کازرونی وارد مجلس شدند)

کازرونی - بنده در این ماده عرضی ندارم.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در واقع این ماده برای این است که در شهر های بزرگ مثل تبریز، اصفهان اجازه میدهد به انجمن مرکزی انتخابات بلدی که دارای شعب باشند بنده عقیده ام این بود که با آن ماده که آقای مدرس پیشنهاد کرده بودند که انتخابات انجمن بلدیه مثل انتخابات مجلس شورای ملی باشد و همان اختیارات آنجا را این جا بدهیم محتاج به این ماده نیستیم و این ماده این است که مثلاً در طهران میتواند انجمن مرکزی دارای شعب باشد حالا میرسیم به این قسمت که این شعب مستقلند یا غیر مستقل کاری نداریم. مقصود این است که با تکرار مذاکراتی که در قانون انتخابات در دوره پنجم واقع شد دیگر محتاج نیستیم به این ماده. اگر پیشنهاد آقای مدرس را مجلس قبول کرده است و رفته است در کمیسیون دیگر کفایت میکنند و دیگر این ماده را علاوه کردن لازم نیست همان حقی که در آنجا داده شده در این جا هم میدهم و دیگر محتاج نیست که يك مذاکره دیگری بکنیم.

مخبر - این ماده مربوط به تبصره ماده ۸ است.

اگر نظر آقایان این باشد در تبصره ماده ۸ هست که در شهر های بزرگ اگر لازم باشد میتوانند عده وکلای بلدی را تقسیم کنند به محلات و انتخاب کنند. وقتی اعضاء انجمن بلدی تقسیم می شود به محلات يك شعبه های فرعی هم لازم دارد و این جا اختیار میدهم که يك شعب فرعی هم تشکیل بدهند و در تحت نظر خود انجمن انتخابات را در تمام

نقاط شهر جریان بدهد و خانه دهد .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخبر به عرض بنده توجه فرمودند عرض بنده ربطی به آن ماده ندارد تبصره آن ماده میگوید که مثلاً طهران دارای ده محله است ، ده شعبه بلدییه قرار بدهند این جا مسئله انتخاب اعضاء بلدییه است نه مسئله نواحی که الان هم شعب بلدییه در طهران تشکیل شده است این جا موضوع انتخابات است که انجمن مرکزی نظارت انتخابات میتواند شعبی در محلات برای خودش قرار بدهد بنده عرض کردم بعد از آنکه آقای مدرس آن پیشنهاد را کردند که انتخابات بلدی هم مثل انتخابات مجلس شورای ملی باشد محتاج به این نیستیم ولی بعد بواسطه تذکری که آقای مدرس و آقای عمادی دادند ملتفت شدم که کیفیت این جافرق میکند ، کیفیت آنجا از پنج ناده است این جا از سه ناده است چون کیفیت فرق دارد عیب ندارد .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که در این موضوع ثانوی منظور این نیست که ده شعبه ، پنج شعبه ، و راجع به طرز انتخابات است و تبصره سابق در باب وکلای است نهایت وکلای ولایات و آنچه را که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند در باب دلایل نفی و اثبات منتخب و منتخب بود و راجع به طرز انتخاب نبود . بعلاوه در انتخاب اعضاء انجمن بلدی باید طرز انتخاب را سهلتر قرارداد برای اینکه کارش نسبتاً جزئی است . و اینکه آقای مخبر فرمودند در نقاطی که اعضاء انجمن بلدییه تقسیم به محلات می شود شعب میخواهد . عرض میکنم در نقاط بزرگ قطع نظر از اینکه عده اعضاء انجمن به محلات

طبقات بجای کلمه معتمدین .

رئیس -- آقای عمادی

عمادی - چون آقای ملک مدنی در جلسه قبل پیشنهاد نمودند که عوض از معتمدین نوشته شود از طبقات و مجلس هم رأی داد لذا در این جا هم که شعبش بنا شد در محلات تشکیل شود هفت نفر از طبقات مختلفه انتخاب شود . بنا بر آن رأی که در ماده ۱۶ داده شده و مجلس تصویب کرد

مخبر - بلی . در انجمن مرکزی چون مستقل است تشکیلاتش از طبقات شش گانه پانچگانه یا چهار گانه سهل است ولی در شعب و محلات دعوت کردن هفت نفر از طبقات مختلف شاید مشکل باشد و بعلاوه شعبات فرعی در تحت نظارت انجمن مرکزی است . اینهم که گفته شده از معتمدین محل باشند برای این است که ممکن است در محلات مطابق این عده معتمد باشد ولی از طبقات مختلفه شاید نباشد . عمادی - چطور می شود که در يك محله از طبقات مختلف نباشد ؟

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای عمادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . رأی میگیریم به ماده

۱۶ آقایانیکه موافقت قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . ماده ۱۷

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۷ - اعلان هیئت نظار ، ترتیب دادن تعرفه و اخذ رأی ، حفظ و استخراج آراء و مراسمی که برای انجام این وظیفه باید رعایت شود ناموقمی که استخراج آراء خانه می یابد مطابق مواد ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۹ ، ۲۰ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب مهر ماه ۱۳۰۴

این چیزی که بنده می فهمم اینطور است و بیانی که آقای مخبر و آقای دادگر میفرمایند چیز دیگر است در این ماده کیفیت انتخابات است و از آن چیزی که آقای مدرس پیشنهاد کردند خارج نیست و اساساً و روحاً این است که میخواهد بگوید انجمن بلدی میتواند در شهر های بزرگ دارای شعب باشد . بنده اینطور فهمیدم و خواستم توضیح داده شود ، ما که در مجلس هستیم ، هیئت مقننه هستیم این جور می فهمیم توضیح بدهند که دست هیئت مجریه که می رسد آن ها هم ملتفت بشوند .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که جواب عملی آقای آقا سید یعقوب این است که بنده يك مرتبه تبصره را بخوانم ، ایشان يك مفهومائی برای تبصره قائل شده اند که اینطور نیست . تبصره میگوید : عده وکلای انجمن بلدی در شهر های بزرگی که بمحلات و نواحی تقسیم شده باشد ممکن است متناسب اهمیت و جمعیت بین محلات و نواحی حوزه بلدی تقسیم شود . این تقسیم راجع به شعب انتخابات است و بداهت دارد و واضح است و هیچ ابهام ندارد .

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده میخواستم همین توضیحی را که آقای دادگر دادند عرض کنم و حالا عرضی ندارم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس -- عده برای رأی گرفتن کافی نیست .

شیروانی - کسی مخالف نیست .

رئیس -- پیشنهاد آقای عمادی .

(مضمون آنی خوانده شد)

پیشنهاد میبایم که بعد از هفت نفر نوشته شود از

میباشد و صورت مجلس انتخابات را منشی هیئت نظر در دو نسخه نحریر نموده باهضای هیئت و حاکم محل میرساند. يك نسخه به اداره حکومتی و نسخه دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و صورت مجلس های بومیه به انجمن بلدی تسلیم می گردد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرض مهمی ندارم فقط گمان میکنم بایستی ماده ۱۷ قانون انتخابات هم در این جا وارد شود. در اینجا تصریح میکند که انجمن نظارت غیرقابل انحلال است ولی در اینجا قید نشده پیشنهادی هم کرده ام.

دادگر - نظر خوبی است پیشنهاد کنید موافقت میکنیم.

رئیس - آقای عمادی.

عمادی - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم يك چیزی را آقای مخبر توضیح بدهند که در ماده ۱۷ که نوشته است و جریان انتخاب و ترتیب اخذ رأی و انداختن در صندوق و رای دادن این جا منضم کرده اند به قانون ۱۳۴۰ که اینجا هم آنها را میخواهند بکنند...

مخبر - ۱۳۰۴ است.

آقا سید یعقوب - بلی ۱۳۰۴ خواستم در ماده ۱۷ يك چیزی اضافه شود. چون دو تا قانون انتخابات هست يك قانون انتخاباتی است که در دوره دوم نوشته شده و يك قانون انتخاباتی است که در ۱۳۰۴ است اینجا اضافه شود که معلوم باشد کدام است.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۷ بعد از (۱۵) اضافه شود (۱۷) راجع به اینکه انجمن نظارت غیر قابل انحلال است.

مخبر - بنده قبول میکنم.

رئیس - رأی میگیریم به ماده ۱۷ آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۸

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۸ - شکایت از انتخابات بلدی مانع از جریان امر انتخابات نمیشود مگر وارد بودن شکایات را هیئت نظر پس از رسیدگی تصدیق نماید در این صورت در همان قسمتی که موضوع شکایت است هر نوع خللی از قبیل تهدید یا تطمیع و امثال آن در صحت جریان انتخابات وارد آمده رفع و در صورت ثبوت با موافقت انجمن بلدی قرار تجدید را میدهد در هر حال شرح شکایت و رسیدگی و قراریکه داده شده است در صورت مجلس درج خواهد شد.

تبصره ۱ - در صورتیکه انجمن بلدی وجود نداشته باشد هیئت نظر با موافقت حکومت محل قرار تجدید را خواهد داد.

تبصره ۲ - حق شکایت از انتخابات را اشخاصی دارند که در محل انتخاب متوقف و هویت آنها بوسیله رزقه سجل احوال مشخص گردد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - قانونی که ما برای انتخابات گذرانیم يك محاکم دیگری شبیه به استیناف و نیز برای قائل شده ایم. ولی در این جا هیچ نیست. نمیدانم انجمن بلدی را خیال کرده اند آن اندازه اهمیت ندارد یا لازم ندانسته اند؟ این جا میگوید اگر چنانچه انجمن نظر تشخیص داد که يك قسمتی از شکایات وارد

است قابل توجه می شود و الا خیر. پس در حقیقت بسته بنظر انجمن نظارت است و پس بعقیده بنده این صحیح نیست و تا این اندازه نبایستی دائره را تنگ گرفت و يك چیز دیگر دارد که بنده نفهمیدم چطور خواهد شد میگوید که قرار تجدیدش را با موافقت انجمن بلدی خواهد داد. بنده نمی فهمم انجمن بلدی چه دخالتی در این جا دارد و وجودش چه اثری خواهد داشت؟ و آنجائی که انجمن بلدی وجود ندارد با حضور حاکم...

مخبر - با موافقت حاکم.

کازرونی - بلی. بنده عرض میکنم اگر بنا باشد اختیارات را کاملاً به انجمن نظارت بدهند بنده موافق نیستم. بنده از اخلاق و عادات مثل سایر آقایان کاملاً اطلاع دارم و از این نقطه نظر است که بنده واجب میدانم در موقعی که قانونی را وضع میکنیم بدینی را بیشتر ترجیح بدهیم. قانون گذار همیشه باید جنبه بدینی را رعایت کنند و الا خوش بینی قانون لازم ندارد...

شیروانی - اگر اینطور خوب نیست راه حلش را بگوئید.

کازرونی - بلی. راه حل. اولاً نباید فراموش کرد که يك چیزی در قانون اساسی هست و مملکت به آن محتاج است و مادامی هم که نداشته باشیم مشروطه ما ناقص است و آن انجمن های ایالتی و ولایتی است ما باید این حق را با انجمن های ایالتی و ولایتی بدهیم که مافوق انجمن بلدی است و قائم مقام مجلس شورای ملی است برای ایالات و ولایات و مخصوصاً برای قضاوت این کار خیلی خوب است و اگر آنجا قائل نشدند اقتدار جاع کنید به وزارت داخله با يك محلی که حق نفوذ داشته باشد و با این شکل حقیقه بنده موافق نیستم.

مخبر - باراه حلی که آقای کازرونی از جنبه مثبت فرمودند نباید انتظار داشت که به این زودبها ما موفق

باجرای قانون بلدی بشویم چون فعلاً تملیق ر محال است بعلاوه در قانون سابق قید شده بود که اگر چنانچه شکایاتی از طرز انتخابات دارند شکایت کنندگان باید با انجمن نظر بگویند اگر انجمن نظر رسیدگی نکرد و راه حلی پیدا نشد رجوع کنند با انجمن بلدی و انجمن بلدی پس از رسیدگی رأیش قاطع است. بعد از آنکه این قانون در کمیسیون مطرح مذاکره شد اینطور قرار داده شد که انجمن بلدی یعنی آن دو تائی که از آن باقی میماند ممکن است رسیدگی کنند و در صورتیکه با انجمن نظارت موافقت پیدا کردند انتخابات آن نقطه که اعتراضات راجع با آنجا است تجدید شود بعلاوه اگر ماده ۱۹ را مراجعه و ملاحظه فرمائید مقید است بر اینکه هیئت نظر با حکومت محل و مدعی العموم ابتدائی عدلیه یا رئیس صالح یا امین صالح میتوانند بشکایات راجع بجرایم انتخابات رسیدگی کنند که در واقع يك تائی را دخالت داده است که با نظر موافقت آن تائ که صلاحیت محاکمه را هم دارد رسیدگی کنند بعد هر قراری که با توافق نظر بکد بگر دادند اجرا کنند.

رئیس - آقای دادگر موافقتند؟

دادگر - بلی

رئیس - آقای عمادی.

عمادی - مخالفم.

رئیس - فرمائید.

عمادی - فرمائید که آقای مخبر فرمودند صحیح است لکن از آنطرف علت مخالفت بنده این است که ممکن است آن دو تائی که از انجمن بلدی سابق باقی مانده است با اشخاصی که جدیداً انتخاب شده اند يك نظر بماند در هویت اشخاص داشته باشند و با اشخاصی که قبلاً انتخاب شده اند يك نظریات رقابت آمیزی داشته باشند که خلاف مقصودی که ما در نظر داریم برای حفظ انتظامات پیش بیاید. بنا بر این همانطور که آقای کازرونی فرمودند باید قضاوت

را به هیئت نظار بدهیم در قسمت رسیدگی مدعی العموم و رئیس صالح هم دخالت دادن و شرکت مدعی العموم و رئیس صالح هم گرچه مربوط بان نیست چون آنها از حق انتخاب محرومند آن سوء نظری که عرض کردم گاهی طاری میشود آن اینجا منافی است. بان جهت بنده نباید میکنم اظهارات آقای کازرونی را و خوب است قضاوت را بانجمن نظار بدهیم و با ماده نوزدهم هم منافاتی ندارد برای اینکه مانع از تطرق پاره خیالات است مخبر - این فرضی را که نماینده محترم راجع به دولت انجمن بلدی فرمودند ممکن است برای انجمن نظار هم این نظر احتمال داده شود یعنی اگر چنانچه انجمن بلدی دو نلثش اعمال نظر خصوصی کنند ممکن است انجمن نظار هم بکنند به علاوه راجع به شرکت مدعی العموم و رئیس صالح که فرمودند از انتخابات محرومند در قانون بلدی که هنوز چنین قیدی نشده است که اعضاء عدلیه از انتخاب کردن یا شدن محرومند و اگر هم این نظر منظور باشد يك نالی هم در جریان امر دخالت و نظارت داشته باشد برای حسن جریان امر بهتر است و صحت عمل مهتر صورت میگیرد از اینکه بالاخره انجمن نظار هم خودش رسیدگی بشکایات بکند و هم رأیش قاطع باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخلفم

رئیس - پس در مخالفت با کفایت مذاکرات بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده در گذشتن این قانون خیلی جدیت دارم لکن حقیقه عباراتی دارد که باید آقای دادگر با آقای مخبر توضیح بدهند. مثلاً در این ماده و تبصره بنده اشکال دارم. موقع بدهید عرض کنم. اینجا میگوید (پس از رسیدگی) این رسیدگی در حین جریان انتخاب است یا بعد از ختم انتخاب است. این کلمه باید توضیح داده شود که مطلب معلوم شود.

رئیس - آقابانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

میشود یا نه؟ اینها شبهاتی بود که در ماده ۱۸ بود و این ماده ۱۹ مفسر آن ماده است. حالا خواستم در اینجا توضیح داده شود که رفع اشکال بنده بشود.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده موافقم.

رئیس - بفرمائید

بامداد - بعقیده بنده این ماده بسیار خوب ماده است و کاش در انتخابات مجلس شورای ملی هم در مقدماتش يك همچو دقتهایی میشد. هیئت نظار البته با اینکه از متمدن محل هستند معذک که بیسیون داخله برای آنها يك شرکاء و نظاری هم قرار داده است از قبیل حاکم و قائم مقام او بعد مدعی العموم یا وکیل عمومی یا رئیس صالح برای این که اگر خدای نخواستہ آنها يك نبانیهایی داشته باشند این اشخاص خارج که صلاحیت قضاوت را دارند و بسمت رسمی قاضی هستند آنها هم دخالت کنند. اما آن قسمتی که فرمودند که چرا حق شکایت را بکسان که حق انتخاب ندارند نداده اند اولاً در انتخاب مجلس شورای ملی هم همینطور است و ثانیاً انتخابات بلدی يك مختصاتی دارد و غیر از انتخابات عمومی مجلس شورای ملی است. این راجع بشهر است. يك کسان که آشنا با اخلاق و احتیاجات این شهرند قضایایی که اتفاق می افتد و همینطور سوء جریان انتخابات را آنها بهتر تمیز میدهند تا يك کسی که (همانطور که مثل زدند) بعنوان زیارت مشرف میشود بمشهد و آنوقت از يك کسی میشود که حسن یا حاج محمد حسین بان دسائس انتخاب شده. او نمیداند حسن کی است، حاجی کی است، دسائس از چه قرار است، هیچ با آن محیط آشنا نیست، ولی اگر واقعاً يك مدارکی در دست داشت یعنی ادله و مستندات قانونی صحیح در دست داشت میتواند بعنوان یک سفر ایرانی خبر خواهان بفرستد بانجمن البته محل توجه

این ماده نوشته است (مگر وارد بودن شکایات راهیئت نظار پس از رسیدگی تصدیق نماید) بعد از آنکه هیئت نظار تصدیق کردند و انجمن نظارت هم موافقت بکند تجدید انتخاب خواهد شد. در واقع این ماده نوزدهم مفسر او است واضح او است معین می کند که رسیدگی کی باید واقع شود. معلوم است رسیدگی پس از خاتمه انتخابات است همانطور که در انتخابات مجلس شورای ملی هست. بعد از آنکه انتخابات خاتمه پیدا کرد باید رسیدگی شود در حضور هیئت حاکمه که در این ماده نوزدهم معین میکنند عبارت از حاکم یا قائم مقام او است با مدعی العموم یا وکیل عمومی یا امین صالح که باید رسیدگی بشکایات کنند اگر شکایات را وارد دانستند تجدید انتخاب شود. در آن ماده دارد (با موافقت انجمن بلدی) در اینجا ندارد. حالا خواستم بنده این شبهه را رفع کنم که اگر آن هیئت قاضیه تصدیق کردند که این شکایت وارد است ولی انجمن بلدی موافقت نکرد با نظر هیئت حاکمه در بنصورت تکلیف چه چیز است؟ آیا نسبت بان انتخاباتی که شکایات وارد شده است باید تجدید نظر شود یا نه؟ یعنی هیئت قاضیه تصدیق کردند که این شکایت وارد است و انتخابات باید تجدید شود لکن انجمن بلدی یا از روی يك مناسبی یا از روی يك ملاحظه که مثلاً فترتی پیش نیاید موافقت نکرد در اینصورت تجدید میشود یا نه؟ این اولاً ثانیاً شکایت کننده را نوشته است کسی است که متوقف در آن جا باشد بنده میخواهم عرض کنم شکایت کننده ممکن است متوقف نباشد لکن بر طبق مدارک قانونی بردارد بنویسد مطابق این ماده و این ماده این شکایت را من میکنم. آن اشخاصیکه باید شکایت کنند يك ملاحظه شکایت نمیکند لکن این با مدارک قانونی شکایت از انتخاب میکنند. بنده رفتم مشهد دیدم در آنجا تشکیل انجمن نظار شده است و انتخاب هم میکنند لکن متوقف در آنجا نیستیم برداشتم بانجمن مرکزی شکایت کردم که آقای انجمن این اشکالات وارد است. آیا این حرف من که وارد است پذیرفته

می شود. اما نه بعنوان این که این حق را دارد. البته اگر يك شكایان بنظرش رسید مثلاً رفته خانه يك کسی روزه و در مجلس روزه شنیده که فلان کس فلان دسپسه را کرده و فلان شخص را انتخاب کرده آنوقت میتواند يك عرضحالی بدهد و بگوید من آنجا بودم و دیدم فلانکس با رفیقش میگفت ما حاج حسن را مثلاً بعنوان عضویت انجمن بلدی یا فلان دسائس انتخاب کردیم. این را عیناً مینویسد آن هیئت حاکمه که عبارت باشد از هیئت نظار بانضمام قاضی صلح یا مدعی العموم و البته ترتیب اثر هم میدهند و بنده کلام میکنم این ماده خیلی خوب ماده هست.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده مخالف هستم.

رئیس - بفرمائید

کازرونی - اولاً به آقایان عرض میکنم که در این قانون بلدیه هیچکس مخالف نیست. مقصود از این مذاکرات این است که اگر خلاف یا شبهه باشد رفع شود. بنظر بنده شبهه در اینجا هست. شما اجازه نمیدهد مذاکره کنیم؟ و الا بنده کاملاً با این قانون موافقم و اگر ما دو دقیقه عقبتر تصویب کنیم لکن اگر شبهه باشد توضیح داده شود و بمنزله تفسیر باشد بعقیده بنده بهتر است.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای دیبا

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میجامم در ماده نوزدهم نوشته شود: مدعی العموم بدایت و عوض رئیس صلح نوشته شود امین صلح.

رئیس - آقای دیبا

دیبا - پیشنهاد بنده فقط اصلاح عبارتی است معلوم است مقصود مدعی العموم بدایت است نه استیناف و نیز و چون در قانون تشکیلات رئیس صلح همان امین صلح است بنده پیشنهاد کردم امین صلح نوشته شود

مخبر - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده نوزدهم بجای (باحضور) نوشته شود (با شرکت)

کازرونی - حضور تنها یعنی فقط آنجا نشسته باشد این معنایش است اگر يك معنی دیگری درش هست توضیح بدهید تا من بفهمم و اگر عرض این است که حکومت کنند پس معنی حضور چیست؟ اگر زبان فارسی است که این معنی ندارد حالا بنده بعضی قسمتهای دیگر این ماده را عرض نمیکم که چه تناقضی فیما بین ماده هیجدهم با بعضی عبارات این ماده هست آن يك موضوعی است که تصویب شده و بجای خود باقی است.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - اولاً میخواستم عرض کنم که این قانون پنجاه ماده است و عادت هم بر این جاری شده است که هفت هشت ده ماده الحاقیه را ما منتظریم این میشود شصت تا و با این ترتیب اگر ما میخواهیم با این قانون اینطور مواجه شویم نمیشود. اینکه آقای کازرونی میفرمایند بنده اعتراف میکنم که آقای کازرونی يك عنصر ملی هستند و بکارهای ملی اظهار علاقه میکنند ولی نمیدانم تشخیصشان چطور است که اینطور اظهار عقیده میکنند میفرمایند باید جدید کرد، تسریع کرد که این قانون بگذرد، موافقم، اما، الا، اگر، بالاخره با این کلمات قانون میمیرد! يك قانون شصت ماده با این ترتیب پیشنهاد دادن و اعتراض و صحبت کردن نمیکند! عرض کردم اینجا منظور هم حضور است ما میخواهیم

قوت بیشتر با خود انجمن باشد انجمن نظار رسیدگی میکنند ولی باز خود انجمن بلدی حاکم در قضا است و اینها ناظرند و میخواهند با قانون تطبیق داشته باشد و مراقبت کنند و الا قاضی نیستند.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود بماده

نوزدهم با اصلاح پیشنهادی آقای دیبا که آقای مخبر قبول کردند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیستم.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۲۰ - هرگاه یکی از انتخاب شدگان از قبول وکالت استنکاف یا بعد از قبول فوت یا مستعفی یا منفصل شود کسی که در درجه بعد حائز اکثریت است بجای او وکیل خواهد بود و عضو جدید برای مدتی وکالت خواهد داشت که از دوره قانونی عضو سابق باقیمانده است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم يك اشکالی این ماده دارد که گمان میکنم غالب آقایان هم متذکر آن باشند يك مرتبه يك عضو استنکاف میکنند و بجای او در درجه دوم معین میکنند يك مرتبه اصلاً رد و قبول را مینویسد مثل انتخابات طهران بنده قدم اعتراض با آقای مستوفی الممالک نیست ولی تا این تاریخ ایشان معلوم نیست وکیل هستند وکیل نیستند و حق يك وکیل را غضب کرده اند ممکن بود بکنفر وکیل بجای ایشان به مجلس میآمد باید معلوم کنید کسی که در انتخابات بلدی معین میشود ناچه تاریخ ملازم است قبول دارد کنند این ماده گنگ است و نقص دارد...

بامداد - ماده ۲۱ تکلیفش را معین کرده روحی - بنده ماده بیست و یکم را نمیدانم این را خوب است آقای مخبر توضیح بدهند

رئیس - آقا دیبا

دیبا - بندهم مخالفم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم باین ماده اشکالی وارد نیست برای اینکه اولاً در ماده ۲۱ نوشته است که اعلام میکنند اگر ناموعد ماده مقرر جوانان نداد مستنکف محسوب میشود و باضافه در ماده ۲۳ دارد که اگر عضوی پنج جلسه ستوالی یا شش جلسه متناوب نیامد منفصل میشود بنابراین هیچ اشکالی ندارد و ماده خیلی خوب نوشته شده است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دیبا - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

دیبا - اینجا يك عبارتی نوشته شده است (که اگر بعد از قبول فوت یا مستعفی و یا منفصل شود) بنده نمیفهمم کسی که با اکثریت انتخاب شده است چطور منفصل میشود

مخبر - ماده ۲۳ را ملاحظه بفرمائید نوشته است چطور منفصل میشود.

رئیس - پس مذاکرات کافی است؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی گرفته میشود بماده بیستم آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. بقیه مذاکرات را اگر تصویب

میفرمائید بماند برای جلسه بعد

بعضی از نمایندگان - دو سه ماده دیگر مانده

تمام شود.

رئیس -- ماده بیست و یکم

(بمضمون آن خوانده شد)

ماده ۲۱ - منتخبین باید در ظرف يك هفته بعد از وصول اخطار هیئت نظار رد یا قبول وکالت را بوسیله مکاتوب یا تلگراف به هیئت نظار اعلام نمایند و هرگاه در موعد مقرر اطلاع ندهند در حکم مستنکف بوده و مطابق ماده ۲۰ رفتار خواهد شد.

رئیس -- آقای کازرون

کازرون - شاید محقق شد که عذر موجهی داشته است یا لایحه و تلگراف بهش نرسیده است و مریض و بستری بوده است. اگر اینها را در نظر گرفته اند که بنده حرفی ندارم ولی اگر در نظر نگرفته اند لازم است مراتب را در نظر بگیرید.

مخبر - منظور از این ماده تقریباً رفع اشکالی بوده که آقای روحی فرمودند برای اینکه وقتی باو اعلام و اخطار میشود ممکن است جواب ندهد و همینطور قضیه معوق بماند اینجا مقید کرده اند که بعد از يك هفته باید تلگرافاً اطلاع بدهد و اگر چنانچه مریض بود یا عذر موجه داشت ممکن است در جواب اظهار کند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس -- کافی است؟

(گفتند کافی است)

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده بیست و یکم آقایان

موافقین قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده بیست و دوم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - هیئت نظار پس از دادن اعتبار نامه کلیه اسناد راجعه بانتخابات را بوسیله حکومت بانجمن بلدی تسلیم نموده و منحل میشود. حکومت نتیجه انتخابات و انحلال انجمن را رسماً اعلان مینماید

ممکن است کلاه قانون هم بسازند و دروغی نسخه طبیب بیاورند.

رئیس -- رای میگیریم بماده بیست و سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده بیست و چهارم

(باین مضمون قرائت شد)

ماده ۲۴ - وکلای انجمن بلدی مطابق نظامنامه مخصوص برای هر جلسه که در انجمن حاضر شوند مدد معاش دریافت خواهند نمود و میزان مجموع مدد معاش وکلای بلدی در ماه ...

بعضی از نمایندگان - این ماده سابق است. مجدداً اصلاح شده است.

(ماده بیست و چهارم خبر اخیر کمیسیون بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - خدمت وکلای بلدی به اقتضای و مجانی خواهد بود

رئیس -- آقای کازرون

کازرون - بنده موافقم

رئیس -- آقای روحی

روحی - بنده اصلاً عرض میکنم که مسئولیت بکار مفت تعلق نمیگیرد...

کازرون - همه بگطور نیستند

روحی - فرق نمیکند خود شما هم اگر موظف نبودید دیرتر اینجا میآمدید. اگر حقیقه بلدی بدهید باید حقوق بدهید والا اثر ندارد و طلباً لمرضانه کسی حاضر نمیشود کار بکنند بنده عقیده ام این است که باید حتماً برای وکلای بلدی

حقوق قرار دهیم و یا جمله مطابق نظامنامه مخصوص هم بنده مخالفم. نظامنامه مخصوص را کی وضع میکند؟ خود انجمن بلدی وضع میکند؟ وزارت داخله وضع میکند؟ مجلس شورای ملی وضع میکند؟ این قسمت را

باید آقای مخبر توضیح بدهند که چه ترتیبی برایش در نظر میگیرند ولی در قسمت اینکه وکلای بلدی به حقوق

بگیرند بنده کاملاً موافقم. بگزنند بنده کاملاً موافقم. بگزنند بنده کاملاً موافقم.

کازرون - پولکی که شد پناه بر خدا.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده اصلاً تصور میکنم اعضای انجمن بلدی اشخاصی خواهند بود که خدماتشان نسبت بشهر خودشان خواهد بود و خدمتی برای کس دیگر نخواهند کرد. خدمت انجمن بلدی راجع است به خود بلد آنها بنا بر این هر کس انتخاب شود خدمت شهر خودش را میکند و بجای دیگر ما او را نمیبریم که حقوق بهشان بدهند و البته باید بجانی و بلاعوض باشد. بعضی ها میگویند این ماده غلط است ولی اگر این ماده باشد بنده کاملاً با حقوق گرفتن اعضاء انجمن بلدی مخالف هستم و این چیزی نیست که بشود عنوان برایش درست کرد مثل اینکه آقای روحی به آقای کازرون میفرمایند که اگر شما حقوق نمیگرفتید خیلی دیر میآمدید یا هیچ نمیآمدید. اگر يك قدری توجه بفرمائید خواهید دید اینها را از هم باید تفکیک کرد. آقای کازرون از بوشهر با میشوند میآیند اینجا و در اینجا خدمت میکنند ولی وکیل انجمن بلدی در شهر خودش در خانه خودش نشسته است و خدمت بشهر خودش میکند.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - بنده با ماده مخالفم با اینکه حقوق نداشته باشد

رئیس -- بفرمائید

دادگر - استدعا میکنم عریاض بنده را آقایان التفات بفرمایند بالاخره مجلس شورای ملی برای تبادل نظر است هر کس نظر خودش را میگوید استدلال هر کس قویتر بود پذیرفته میشود. از اوام تنزل کنیم و قدری دروي مطالب عملی بیائیم. بالاخره مانجربه داریم. در جاهائی هم که حقوق هست جریمه هم هست يك معافیت کوچکی که هست از آن هم استفاده میشود. بنده مثال نمیزنم که اگر در جاهائی که در جریمه اهماز شده است آنجاها

قویترین رجال این مملکت طرفه مبرود از انجام وظیفه بالاخره این در عالم خطابه خیلی درست است، بکنفر است مباشر امور بلد خودش است، در خانه خودش است، کار خودش را می کند و حقوق نمی خواهد ولی در موقع عمل که میشود يك جلسه هم انجمن تشکیل نمیشود. آنجا هائی که حقوق میدهم، مملکت حقوق میدهد وضعف احتیاجات بمباشرش حقوق میدهد باز لا امانی شده است نسبت بوظیفه اش حضرتعالی میفرمائید يك جماعتی بیابند، بنشینند، بی حقوق و بی مدد معاش فقط با حس شهر برستی! با حس شهر برستی نمیشود عمل کرد. بایستی حقوق داد. بنده بالاخره در این مسائل يك تشخیصی دارم و آن تشخیص این است که انسان يك وقت يك چیزی را میخواهد فلج کند من غیر مستقیم فلج میکنند. بی حقوق گذاشتن مسئولین يك کاری فلج کردن آن کار است بطور غیر مستقیم. میخواهید حقوق کم بدهید کم بدهید صرفه جو باشید ولی هیچ ندهید نمیشود. کار از پیش مبرود. مدد معاش را لا اقل بدهید ماده اول که ما تصویب کردیم عبارت از این بود که يك حقوق خفیفی بنام مدد معاش که قدر اقل و اکثر آن هم معین شده بود بآنها داده شود که پول بنزین و اتومبیل یا پول الاغش را از جیبش ندهد ولی بالاخره اینکسه بیاید يك دنبار هم نگیرد و اوقاتش را هم صرف کند، این فکر البته فکر مقدسی است ولی ملت باید رشد کند تا باین مرحله برسد و بنده خجالت نمیکشم که عرض کنم تا این حد رشد و بلوغ در ما نیست. ما هنوز مردمانی نیستیم که تنها باعمال وظیفه و بدون اینکه شخصیات در کار مدخلیت داشته باشد کاری بکنیم. این حرفهای ناشی از حس فایده اش چه چیز است؟ احساسات فایده ندارد بالاخره (باید اینطور بود و باید اینطور بشود) اینها حمل تعلیقی است و فایده ندارد. اگر و مگر و شاید بالاخره یکشاهی بدرد نمیکشود و باید رفت طرف عمل. بنده عقیده ام این است که باید باجزاء بلدی بافراط پول

نداد برای اینکه مملکت اینقدر بنیه ندارد و شاید يك رقابتهائی هم بین وکلای بلدی و وکلای مجلس شورای ملی پیدا شود و آرا هم باید پیش بینی کرد و اما اینکه مدد معاش هم نداد این علاقه یعنی آن التزامی را که اشخاص برای ایفاء وظیفه دارند لا اقل کم میکنند تنزل میدهد و ما صلاح نمیدانیم. این حرفها را در کمیسیون هم زدیم نهایت اقلیت داشتیم و بنده حالا از حق خودم در مجلس شورای ملی استفاده میکنم و عرض میکنم که آقایان مجانی و بلا عوض انجمن بلدی تشکیل دادن مساوی با عدم و مساوی با صفر است. میگوئید نه، علیکم بالامتحان

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده مینوامم بکلی معکوس فرمایشات آقای دادگر را بگویم یعنی اگر میخواهید انجمن بلدی محو و نابود بشود حقوق بدهید. میفرمائید اگر حقوق برایشان معین نکنیم کار نمیکند. اولاً باید این را تشخیص داد که کار انجمن بلدی زیاد نیست در هفته يك جلسه تقریباً دو ساعت است و کاری نیست که از اول صبح انسان با شود برود دنبال آن که حقوق و معاشش را از این عمر بگذراند و تجربه هم بما ثابت کرده که انسان برای افتخار همیشه بهتر کار میکند تا برای حقوق و علت اینکه گفتند باوجود اینکه حقوق میگیرند و جریمه هم میشوند باز از معافیت ها استفاده میکنند برای همین است که حقوق می گیرند. اگر بنا بود حقوق نگیرند و فقط افکار عامه مزد آنها را بدهد بهتر کار میکردند و در حرفه های آزاد غالباً این مسئله دیده شده مخصوصاً در حرفه هائی که تماس با افکار عمومی دارد تجربه شده است که غالباً اشخاص بهتر کار میکنند مگر میخواهد برود نوکر شود و ده بیست تومان حقوق بهش بدهند؟ این ده بیست تومان حقوق قابل نیست که حتماً مقید باشد و

انجام وظیفه نماید. غالباً انسان اگر افکار عمومی پشتیبان او باشد بهتر کار میکند. یکی از مفاسد حقوق معین کردن این است که نزاحم میشود در سر انتخابات بلدی ولی اگر شما حقوق برای اعضاء انجمن بلدی قرار ندهید بالطبع اشخاصی داو طلب میشوند که بیابند برای شهر خودشان کار کنند زیرا غرضشان پول گرفتن و مدد معاش نیست و میخواهند قرینه الله کار کنند. الان این مسئله در طهران نظائر دارد مثلاً در محله عربها انجمن آب دارند تمام اعضایشان هم جمع میشوند و کار میکنند برای اینکه اقداماتشان تماس دارد باخودشان هم چنین بقول آقای کازرونی اگر شما بروید فارس و کلای مدارس شیراز هم حقوق ندارند. مثلاً وکیل مدرسه سعادت در بوشهر بهتر از دوائر بوشهر کار میکند.

بکنفر از نمایندگان - تحصیل کرده نیستند

دشتی - حالا کار به تحصیل نداریم ولی این خطرناک است. اگر برای اعضاء انجمن بلدی حقوق قائل شویم آنوقت تمام منتظرین خدمت که میخواهند از این عمر پول گیرشان بیاید میخواهند وکیل بلدی شوند. ولی اگر شما بدون حقوق بگذارید غالباً اشخاصی داو طلب میشوند که میخواهند به مملکت خودشان و شهر خودشان خدمت کنند یعنی کسانی که مایلند اسم داشته باشند و افتخار داشته باشند آنها داوطلب میشوند. گفته شد اگر حقوق نداشته باشند کسی نمی آید کار کند، مردم بچه دلخوشی بیابند کار کنند. بنده برای همین عرض میکنم که نباید حقوق برایشان معین کنند برای اینکه کسانی که پول میخواهند نیابند آنجا بلکه کسانی بیابند که بخواهند برای شهرشان کار کنند. يك مسئله دیگری را هم تذکر میدهم و آن این است که کارهای ما نباید وارونه تمام دنیا باشد. کجای دنیا اعضاء انجمن های بلدی اش پول میگیرند؟ حقوق میگیرند؟ غالب جاها اعضاء مجلس شورای ملی هم حقوق نمیگیرند یعنی موظف نیستند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
روحی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

روحی - بنده عقیده دارم که به این عجله هم نمی شود قانون گذراند زیرا در نتیجه و عمل دچار اشکال میشود آقایان اجازه بدهند موافقین و مخالفین عقاید و استدلالات خودشان را بگویند بعد هم البته رأی اکثریت مجلس قاطع است هرطوری رای داده عمل میشود و بنده هم يك عرابضی دارم که باید عرض کنم
رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است پیشنهاد آقای دادگر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بماده ۲۴ لایحه اولی که حقوق برای اعضاء انجمن بلدی قائل شده اند بدو رأی گرفته شود

مدرس - آن پیشنهاد را هم بخوانند

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که آقای دشتی گویا در روزنامه شفق سرخ بود با اینجها که گفتند برای جلب نظریات رفقا غالباً تعارف ضرور است الفاظ را تعارف آمیز که بگوئیم صحیح است را بعنوان سزا و پاداش میگیریم. مثلاً بگوئیم عاطفه داشته باشید، لطف داشته باشید، به مملکت خدمت کنید، اینها استجلاب کلمه (صحیح است) است ولی اتفاقاً خودشان عمل بر خلاف این فرمودند و در فرمایشاتشان تعارف اغلیبت داشت فرمودند که بالاخره مردمان هستند که می آیند خدمت میکنند، جدیت میکنند، از این قبیل کلمات داشت در صورتیکه خود ایشان يك مرد عامل مجرب هستند و میدانند قضیه اینطور نیست انجمن آب تقسیم کن ها برای این است که پولش را ندهند برای

این است که بتوانند آب را بین خودشان مفت تقسیم کنند و اگر اینجا هم منظور شخصی مخلوط نباشد عمل قاطعی پیدا نمیشود. بعلاوه يك مسئله دیگری را آقای دشتی چرا تفوه نکردند بنده چون لیدر آن دسته نبودم از آن جهت نحواسم حرف بزنم چون بنای زندگی بنده برابر فقر و بیستی دناوت و اینها نبوده است و انشاءالله بعد هم نخواهد بود ولی اگر بالاخره نباید از فقرا هم در انجمن باشد؟ مگر چاله میدان نباید نماینده در انجمن داشته باشد و باید اشخاص مستغنی داشته باشند و اشخاص جلیل المکان و جنت مکان بیایند اینجا بنشینند و برای جلب به به و اینها کار نکنند و در اینجا عمل مستغلات و آب و اینهاشان را درست نکنند مگر فقیر چیز نمیخواهد بخورد؟ ما نباید برای آنها باب و دری باز کنیم؟ ما نظرم آن بود که غالباً از بین مردمان فقیر نمایندگان فقیر موظف بیایند حقوق هم بگیرند و کار کنند و بالاخره دلیل هم دارد دلایل را هم عرض میکنم: اگر احیاناً ما میخواستیم آن مرد بزرگ خیر خواه را که غالب مطالبش را تنها و منحصرأ برای مملکت اظهار میکنند در نظر بگیریم حقوق کزانی میگفتیم که متناسب باشون او باشد ولی ما اینجا مدد معاش گرفتیم که يك حقوق خفیفی به يك فقرائی میدهیم که بیایند حوائج خودشان را آنطوریکه موافق صلاح خودشان است رفع کنند آقای کازرونی مرد باید شریف و اصیل باشد و وقتی میخواهید بيك قضیه کمک بکنید همیشه يك روال باشید این جورى چرا حرف میزنید؟ يك جا آنطرفی هستید يك جا اینطرفی؟ و بالاخره ما معتقد هستیم که تعارف نکنیم در فرمایشات آقای دشتی تعارفش اغلیبیت داشت ولی ما معتقدیم که حقوق گراف هم ندهیم که ضمیمه شود به قول اشخاصیکه استغنا دارند. حقوق کم بدهیم باشخصیکه معیشت درست ندارند و میخواهند از این حقوق استفاد کنند آنها بیایند و علاقه داشته باشند که مشقت نوعی و شخصی هر دو تأمین شده باشد بیایند جازماً عامداً کار

را کردم مکرر مثلی است معروف که اگر يك کسی يك چیزی بیاورد برای آدم میگوبد پیش کس. میگویی آقا گران است ارزانتر بدهید. او میگوبد پیش کس آورده ام. اما ما میگویی گران است خوبست ارزانتر بدهید. بجهت اینکه پیش کس و هدیه خیلی گران تمام میشود. بمقتضای رعایت این اصل صدی دورا پیشنهاد کردم ام از اینکه آن منتخب غنی باشد یا فقیر چرا؟ چون مرجعیت خودش يك خرج زیادی دارد. آدم مرجع باشد يك خرج زیادی دارد. ایاب و ذهاب زیادی دارد يك مطالبی اتفاق می افتد که زائد بر خرج خودش است مداخل نبرد دیگر از کیسه خودش چرا باید خرج کند من موافقم با آقای کازرونی که افتخاری باشد. چیزی هم نبرد. اما از جیب خودش هم باید خرج این کار کنند؟! عقیده بنده این است که بعد از خراب شدن استبداد هر کس که خودش را قابل و کالت مجلس شورای ملی بداند بر او واجب است قبول کند. اما واجب مفتی که از کیسه خودش بیاید خرج بکنند؟ خیر همچو واجبی ما نداریم من حساب کردم منتها عایدی بلدیبه مثلاً در طهران بیست هزار تومان است

بعضی از نمایندگان - شصت هزار تومان.

مدرس - عایدی خالصی که در سال دارد. بیست هزار تومان است

بعضی از نمایندگان - شصت هزار تومان است

مدرس - شصت هزار تومان صدی دوش را حساب کنید چقدر میشود؟ بیست تا وکیل هستند بین این بیست تا وکیل اگر حساب کنیم يك کمک معاشی میشود اشتباه نفرمائید معاش کامل هم نیست کمک معاش است. بین این بیست نفر وکیل که حساب کنید حقوق نیست ولی القدر هست که از جیب خودش ندهد. حالا اگر آقایان موافقت کنند با آن اصلی هم که پیش من است موافقت خواهند کرد و الا گران میکنم اگر مفتی خالص باشد بعضی اوقات گران تمام میشود

وزیر داخله - عرض کنم در حقیقت همینطور که آقای مدرس فرمودند این يك حقوق کافی نیست که داده میشود این يك رعایتی است که از باب همان تخمیلات و تکلیفاتی که برای این کار پیدا میشود میبایند و بنده هم با دادن حقوق زیاد مخالفم و همین پیشنهاد آقای مدرس که صدی دو قرار داده اند خیلی خوبست و گران میکنم کافی باشد دادگر - بنده هم با نظر آقای مدرس موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند بخود ماده رأی گرفته شود ولی این مثل این است که حق پیشنهاد را از آقایان وکلا سلب میکنند بعضی از نمایندگان - صحیح است

آقا سید یعقوب - عرض کنم این راجع بيك سابقه بود که شما به بنده فرمودید چون يك روزی فرمودید ماده را میشود پیشنهاد کرد و برگرداند بان ماده اولی که بود و حالا هم این ماده در واقع در اثر پیشنهاد آقای مدرس برگشت چون يك روز بيك چیزی عرض کردم راجع بماده سابق فرمودید پیشنهاد کنید حالا بنده پیشنهاد کردم که به همان ماده رأی گرفته شود

رئیس - عرض کردم اگر ماده که راجع بخبر کمیسیون رد شود ماده را که راجع بالایحه دولت است میشود پیشنهاد کرد ولی این ترتیبی که شما پیشنهاد کرده اید مثل این است که کسی حق پیشنهاد کردن نداشته باشد آقا سید یعقوب - بنده از آن نقطه نظر بود که این پیشنهاد را کردم

رئیس - يك فقره پیشنهاد از آقای فیروز آبادی رسیده که صد يك است

اعتبار - يك پیشنهاد هم بنده کرده ام راجع بختم جلسه

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده طرفدار ختم جلسه نبوده ام و بیستم ولی این يك موضوعی است که بعقیده بنده باید در خارج حل شود زیرا بالاخره ممکن است يك جنجال و هرج و مرج و کشمکشهایی در ولایات پیدا شود

عقیده بنده این است که جلسه ختم شود و در جلسه آتی در اول جلسه این موضوع مطرح شود و در ظرف این یکی دو روز در خارج راجع به این قسمت با آقایان و کلابك تصمیمی اتخاذ شود.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم این قضیه بیش از آنچه مقتضی بود در اطرافش حرف زده شد و آقای مدرس سوهان زدند و این مسئله را با آخرین مرحله صرفه جوئی رساندند ما هم با نظر ایشان موافقت کردیم بنده پیشنهاد میکنم که به این قضیه که بالاخره پیش همه ماها معین است و دولت و مخیر هم در این قضیه اظهار موافقت میکنند رأی بگیریم بعد جلسه ختم شود

رئیس -- رأی میگیریم بخدمت جلسه آقایان موافقین

قیام فرمایند

(عده قابل قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به صدی يك که آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند. آقای دادگر پیشنهاد کرده بودند صدی چهار. آقای مدرس صدی دو پیشنهاد کردند و آقای فیروز آبادی صدی يك و آن که کتر است مقدم است. آقای فیروز آبادی کازرون -- بنده پیشنهاد صدی نیم کرده ام

فیروز آبادی -- بنده آرزوی این بود که بقدری به ملکمان علاقه مند باشیم که بجهت کارهای بزرگ هم بجان کار کنیم. بجهت مجلس شورای ملی هم بجان کار کنیم و عقیده ام این نبود که در این مجلس گفتگو شود که اعضاء انجمن بلدیہ در ماه بکمر تبه نمی نشینند و یکساعت بترتیبات بلدی شان بجاناً رسیدگی کنند و باید حقوق معین کرد والا کسی نخواهد آمد بنده عرض میکنم اینطور نیست. از خودمان بگذریم مردم علاقه مند به بلدیہ هستند شما بجان بگذارید همه خواهند آمد. به علاوه وقتی که بجائی شد پول خواه ها خودشان را کنار میکشند و مردم هم از روی عقیده اشخاصی را معین میکنند که همیشه

و همه چیز سرشان میشود از مردمان که بر عکس آبرومند و عقیف هستند و نمیتوانند با این عناصر مبارزه کنند جلو می افتند. اگر هم اتفاقاً جلو نیفتادند آنهاائی که میل دارند قائم مقام آنها بشوند و مدد معاش بگیرند آنقدر آنها را اذیت و آزار می کنند که آنها مجبور میشوند کنار بروند تا آنها میانند و بالاخره اگر هم یکی دو دوره کم و بیش مردمان عقیف وجود داشته باشد در انتخابات نان ابدأ وجود نخواهند داشت بنده عرض میکنم مراجعه کنید بوکلای مدارس در ولایات مردمان شریف آبرومند عمر و وقت و مال خودشان را برای بنای مدرسه و تأسیس آن صرف می کنند و در مقابل آن زحمت هم خسته نمیشوند و همیشه اوقات بنده دیده ام با يك جدیت فوق العاده سر وقت حاضر میشوند و پول برای مدارس تهیه می کنند همینطور ملاحظه فرمائید انجمنهای ایالتی و ولایتی که در دوره اول و دوم تشکیل پیدا کرده است. در ولایات يك مردمان شرافتمندی هستند که برای وطنشان کار میکنند در هر حال مردم دو قسمت هستند یکی آنهائی که برای شرافت کار میکنند که بنده اطمینان میدهم حاضر است از کیسه اش هم پول بدهد کار کند و بالعکس آنهائی که برای پول کار میکنند اگر مواجب صد تومانیش را به هفتاد و پنج تومان تقلیل بدهیم چون از برای پول از او توقع کرده ایم که صحت عمل بخرج بدهد کار نخواهد کرد. این کار معامله است بنده قطع دارم که اگر برای اعضاء انجمن بلدیہ حقوق مقرر شود بلدیہ ها خراب میشوند و عملی هم نخواهد شد

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کازرون کازرونی -- استرداد میکنم.

عمادی -- بازی در آورده ای دو ساعت وقت مجلس را تلف میکنی!؟

رئیس -- پیشنهاد آقای ملک مدنی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ایالات صدی يك برای حقوق و کلاء انجمن اختصاص داده شود و در ولایات صدی دو جهت و کلاء اختصاص داده شود

رئیس -- فرمائید. ملک مدنی -- مقصود بنده از این پیشنهاد تا آنجا که آقای مدرس بود که فرمودند يك کمک خرجی به آنها داده شود. فرض کنید در طهران شصت هزار تومان عایدی است صدی دوی آن میشود هزار و دویست تومان و بیست تا وکیل هم دارد اینها ماهی شصت تومان بهشان میرسد و وقتی ماهی شصت تومان شد يك اشخاص بیکاری این کار را تعقیب میکنند آنوقت این منظور حضرتعالی کاملاً ناممکن نمیشود. بنده در این پیشنهاد ذکر کردم که ماهی سی تومان در ایالات باشد و از طبقات کاسب و ناچر انتخاب شوند چون کسانیکه میخواهند برای خودشان کار تهیه کنند میآیند سر این کار و تعقیب میکنند و مجال نمیدهند که آن کسانیکه صلاحیت دارند انتخاب شوند در ولایات چنانچه بنده اطلاع دارم حاضر نیستند این صدی دو را هم بگیرند و چون در مرکز و شهرهای بزرگ ممکن است يك مخارجی داشته باشند از این جهت این پیشنهاد را کردم

رئیس -- رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دشتی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم صدی يك و نیم نوشته شود

رئیس -- فرمائید. دشتی -- آقای مدرس بیک اصولی معتقد بودند و بر طبق آن اصول این پیشنهاد را کردند و بنده تعجب میکنم که آقای مدرس چرا این پیشنهاد را کردند چون این پیشنهاد مخالف با آن اصول بود و حقیقه از ایشان مستغرف بود

مدرس - من میدانم کسی مفتی کار نمیکند
دشقی - میفرمایند آدم نباید مفتی کار کند . بنده
تصدیق می کنم ولی اگر کسی خواست مفتی کار کند
شما میفرمائید نکنند؟ ...

مدرس - مانعی ندارد نگردد
دشقی - اجازه بفرمائید وقتی شما پول قرار دادید و
حقوق معین کردید آن کسانی که میخواهند مفتی کار کنند نمایانند
و آن کسانی که میخواهند حقوق بگیرند باز احرام میریزند و می آیند
روحی - اینطور نیست

دشقی - شما میفرمائید مردم کار نمیکند بنده عرض میکنم
که این شیون و شبن ندارد اگر کسی نخواست بدون حقوق کار کند
نیاورد کار کند اینکه ضرر ندارد . اگر کسی بدون
حقوق نخواست نباید در انجمن عضو شود یک چیز دست
ازش میگیرند؟ و بالاخره وقتی که این مسئله را در
نظر بگیرید در هفته دو ساعت يك کسی می آید برای
شهرش کار کند . بعلاوه این پولی که شما میدهید کافی
برای زندگانی او نیست و بالاخره يك کسانی می آیند

وکیل میشوند که محتاج به این پول هم نیستند ولی می
خواهند این کار را وسیله ارتزاق خودشان قرار بدهند
آنوقت پس فردا میگویند کافی نیست و هی زیادش می
کنند . یکی هم این مسئله بود که آقای دادگر فرمودند
آن مسئله متمولین و ملاکین است . گفتند اگر بخوایم
حقوق معین نکنیم آنوقت متمولین و ملاکین می آیند
عضو آنجا میشوند . این اشتباه است . برای اینکه بقول
خودتان نمی خواهید يك حقوق معین کنید که برای
زندگانی شخصی باشد بلکه میخواهید مدد معاش بهش
بدهید . خوب مگر متمولی که ماهی پانصد تومان
عایدی دارد بدش می آید که پنجاه تومان هم
بمایدنش اضافه شود؟ و این به تجربه ثابت شده است
که اشخاص متمول حریص زند و بیشتر میخواهند پول
بگیرند . میگویند فقیر را چه يك نان بهش بدهی و چه
ازش بگیری فرقی نمیکند . نازه ملاکینی هم که بیایند

نصیره - مدد معاش مزبور که در بودجه بلديه
منظور خواهد شد نباید از صدی دو مجموع عایدات
بلدی تجاوز نماید شریعت زاده

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موضوعی که در مجلس فعلاً مطرح
شد البته اگر يك قدری دقت شود بكموضوع نظری است
و دلائل زیادی نسبت به اظهارات هر يك از طرفین
میشود اقامه کرد . ولی بنظر بنده اگر مختصر دقتی از
نقطه نظر اوضاع اجتماعی حتی در جا هائی که بلديه
وجود دارد بشود می بینید که يك عده از اشخاص
معروف و مصلح و بالاخره طرف توجه همیشه در هر
جریانی ولو اینکه بلديه باشد یا نباشد بکقسمت از سنگینیها
را بر دوش دارند . یعنی مردم در تمام قضایا و احتیاجات بانها
مراجعه میکنند در ادوار نجدد قوانین آمده است این اصول
را تحت تنظیم در آورده و گفته است يك مؤسسه ملی باشد
که این احتیاجات عمومی . بجای اینکه تقسیم شود بر دوش
اشخاصیکه طرف احتیاج و اطمینان هستند آن مؤسسه
ملی انجام دهد و حوائج آنها را رفع کند به این

علت آمده اند قانون بلدی و مؤسسات بلدی را ایجاد
کرده اند . بنده کمتر دیده ام که وکلاء بلدی در یکجائی
حقوق داشته باشند و علتش این است که همان اشخاص
بدون اینکه در این مؤسسه باشند دچار این زحمت هستند و از
این نقطه نظر حقوق هم نمیگیرند . حالا که احتیاجات و
وضعیات مملکت ما اقتضا میکنند بنده از آقایانی که

طرفدار حقوق گرفتن هستند نمنا میکنم این را اختیاری
کنند که اگر یکعده اشخاصی میل دارند حقوق بگیرند
خودشان تقاضا کنند . البته آقایان خواهند فرمود که
این مسئله نسبت به آنها نوهین است که يك چنین
تقاضائی میکنند . بنظر بنده این حرف حرف موجهی
نیست - برای اینکه آن کسی که احتیاج دارد اگر
مطابق يك قانونی از خزانه مملکتی که در آنجا حق
زندگانی دارد استفاده نماید هیچ عیب و خجالتی ندارد

برعکس جریانات دیگری که هیچ مناسب با این وضعیت
نیست آنها بد و خجالت آور است . از این نقطه نظر
بنده این جا تعدیل کردم نظر آقایان نمایندگان را که اساساً
خدمت در انجمن بلديه افتخاری باشد ولی اگر بعضی
از آنها تشخیص دادند که محتاجند تقاضا کنند
از انجمن و انجمن هم موافقت کند و بعد از تصویب
بانها پرداخته شود و این مبلغ مدد معاش هم مجموعش
بیش از صدی دو عایدات بلديه هر محل نباید باشد و تصور
میکم که این بهتر باشد و اگر بشود همان بجان باشد بهتر است .

رئیس - آقای شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده در موقعی که پیشنهاد آقای
دادگر مطرح شد اجازه خواستم عرایضی عرض کنم اولاً
آقای شریعت زاده هم موافق بودند با بجان بودن و قسمت
بیاناتشان دلیل بود که خدمت انجمن بلدی بجان باشد
ولی آقای دادگر این جا يك فرمایشانی فرمودند فرمودند
شغل مردم یعنی کار عمومی جامعه ما امروز روی استفاده
است چون تحصیلات نکرده ایم از این جهت هنوز ما عادت
نکرده ایم کار بجان کنیم .

دادگر - شما میفرمائید بنده نکتم

حاج شیخ بیات - بنده عرض میکنم که اگر مردم
هم عادت نکرده اند ما باید سوقشان بدهیم که کار بجان
برای جامعه بکنند چون کار عمومی اگر بجان شد انسان
خوب کار میکند ولی اگر در مقابل پول کاری بشود
کار خوب و اساسی نیست این جا آقای شریعت زاده
فرمودند اگر يك اشخاصی تقاضا کردند که يك حقوقی
بهشان داده شود ، در آخر ماده شان اینطور پیشنهاد
کرده بودند تا مبلغ صدی دو اجازه داشته باشد بلديه
که بانها بپردازد گمان می کنم با آن قسمت اول ماده
همه آقایان موافقت داشته باشند که قسمت بجان بودنش
است ولی با قسمت دومش همه آقایان مخالف هستند
برای اینکه اگر يك کسی دبد فرصت ندارد ضعف
مزاج دارد و نمیتواند این خدمت را انجام دهد استعفا

میدهد که يك كس ديگر بيايد خدمت او را بکند
بعلاوه اساساً انجمن بلديه مگر چقدر کار دارد؟ اگر
يك کار مهمی بود که مخالفت داشت با صنعتها و شغل
هاي ديگر آوقت ممکن بود که بگوئيم حقوق بگیرند
ولی انجمن بلدي در ماه دو مرتبه با هفته يك مرتبه
تشکیل میشود. الان همین احزانی که تأسیس میشود
و افرادی که دور يك حزب جمع میشوند هر هفته مرتباً
میروند و حاضر میشوند و يك چیزی هم دستی میدهند
بلديه که از حزب کمتر نیست. پانزده روز يك مرتبه
میروند يك کار هائی میکنند و بنده معتقدم که اگر
یکشاهی برای اعضاء انجمن بلدي قائل بحقوق شویم این
کم کم صد تومان و هزار تومان میشود و خطرش برای
ما بیشتر است از این حقه بنده این پیشنهاد را تقاضای
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

نجزيه می کنم

دادگر - عقیده بنده را سوء تعبیر کردند اجازه
توضیح میخواهم

رئيس -- آقای یور تیمور پیشنهاد کرده اند جلسه
ختم شود....

دادگر - مطابق نظامنامه بنده میخواهم توضیح بدهم
چون آقا کلمات بنده را بد تعبیر کردند و يك حقی از
من فوت میشود

رئيس -- پیشنهاد ختم جلسه مقدم است آقا باینکه
تصویب می کنند جلسه ختم! شود قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئيس -- اکثریت است بقیه مذاکرات میباشد برای
روز یکشنبه
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

بر قرارداری بانصد و شصت تومان مستمری در حق علماء ساوجبلاغ عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع
مصوب ۳۰ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عوض عشریه سیزده فقره
قراء و مزارع در بافتی علمای ساوجبلاغ از قرار جزء ذیل :

ملا احمد و ملا نجم الدين و ملا عبد الرحمن بالتساوي	۱۷۶۴	قران
ملا عبد الله و ملا عبد القادر بالمنصفه	۱۳۷۹	«
ملا علی مفتی	۱۰۷۱	«
ملا محمد مدرس و ملا احمد بالمنصفه	۱۳۸۶	«
جمع	۵۶۰۰	«

بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیات از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان علمای
ساوجبلاغ مذکوره فوق بر قرار نموده و همه ساله بنرخ نومانى یکتومان پرداخت نماید
اینقانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه سی ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس
شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی